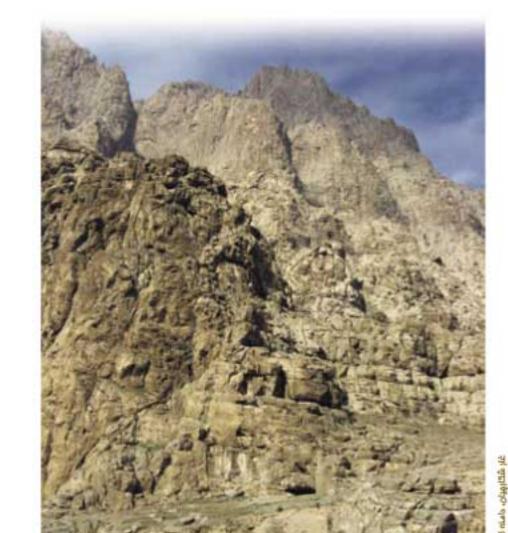
مطالعات باســتان شناســی حاکی از این است که حناقل از اواخر دوره پارینه سنگی قدیم (حنود ۳۰۰ هزار سال پیش) انسان در منطقه کرمانشاه میزیسته است. آثار یافت شده از این دوره شامل چندین تبر دستی سنگی و ساطور ایزار است که در اطراف گاکیه و غرب هرسین به دست آمدهاند. وجود منابع سنگ مناسب ابزارســازی در این تواحی و فاصله نزدیک آنها نســبت به رودخانههای قره ســو و گاماسیاب، احتمالا در جلب گروههای انسان به نواحی مذکور موثر بوده است. متاسفانه تاکنون آثاری از این دوره در سایر نقاط کرمانشاه یافت نشده و در نتیجه آگاهی ما از جنبههای مختلف زیستی و فرهنگی آنان بسیار ناچیز است. اما بقایای باستان شناختی دوره بعدی، یعنی پارینه سنگی میانی بیشتر و شناخته شده تر است.





ایر از ساکی (ایرد موسکری)، دوره چاریک ساکی مهالی

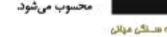
بقایای جانبوری یافت شده در کاوش برخیی از غارهای نامبرده نشان میدهد که انسانهای نثاندرتال هم در دشتها و هم در ارتفاعات صخرهای منطقه به شکار می برداختند. ساکنان پناهگاه ورواسی و غارشـکارچیان بیشتر در دشـت به شکار اسب وحشی، گورخر، گوزن و کاو وحشی می برداختند. در حالی که غار قبه پناهگاه شکارچیانی بـوده کـه عمدتا در شـکار یسز کوهی و میسش وحشسی در ارتفاعات تنگ کنشت تبحر یافته بودند. علاوه بر این گونهها، حیوانات دیگری چون شــیر، خسرس، کفتار نیز در منطقه میزیستهاند که بقایای آنها در غار وزمه در نزدیکی



غارها و شکار حیوانات مختلف وجود داشته است.

بقایای سیکونتهای ایس دوره اغلب در غارها و پناهگاههای صخرهای یافت شده که از مهم تریسن آن ها می تسوان به غار شسکارچیان، مرخریـل و مرتاریک در بیسـتون و هم چنین غار قبه، دو اشکفت و پناهگاه ورواسی در شــمال شهر كرمانشاه اشــاره كرد. قديمي ترين آثار سے کونت این دورہ بر اساس یک آزمایش سالیابی از غار مرتاریک به قبــل از ۱۰۰ هزار سال پیش باز می گردد.

با توجه به کشف بقایای اسکلت نئاندتالها در غار شنیدار، گونه مذکور طی این دوره در منطقه زاگرس ساکن بوده است. در کرمانشاه نیز بقایای این انسان در غار شکارچیان بیستون کشف شده است. این نمونه که بخشی از استخوان ساعد است، تنها یافته از انسان نثاندرتال در ایران





اسلامآباد یافت شده است. این درندگان خطر بالقومای برای انسان های آن دوره بودند. زیرا هر دو گروه از غارها استفاده می کردند و منابع غذایی آنها نیز بیشتر شامل گوشت چرندگان مختلف بود. از ایسن رو می تــوان تصور کرد که رقابتی دائمی بین نثاندرتال هــا و درندگان آن دوره برای تصاحب



ابزارهای سـنگی به جا مانده از شـکار و سایر فعالیتهای روزانه این شـکارچیان که بیشتر شامل انواع خراشنده، تیزه، دندانه دار و تراشه هایی با لبه تیز است، در غارها و همچنین در محیطهای باز یافت شده است. صنعت ابزارسازی این دوره موستری زاگرس گفته می شود که در سایر مناطق زاگرس چون لرستان و فارس نیز یافت شده است. مطالعه این ابزارهای موستری نشان میدهد که برای ساخت آنها از رگههای سنگ چخماق موجود در اطراف سکونتگاهها و همچنین برونزدهای سطح دشت و تیه های طبیعی استفاده می شده است. چون دسترسی ساکنان غارها به منابع سنگ مناسب ابزارسازی محدود بوده، معمولا ابزارهای سنگی خود را به طور مکرر اصلاح و مجددا استفاده می کردند. چنین ابزارهایی که ابعاد آنها بر اثر تراش زیاد کاهش یافته، در مجموعه ابزارهای سنگی غار دو اشکفت و قبه به وفور دیده می شوند.











وجود کارگاههای متعدد ابزارسازی در تپههای گاکیه و درود فرامان گویای توجه شـکارچیان این

عصر به منابع سنگ منطقه مذکور است که از کیفیت بسیار خوبی برخوردار است. ابزارهای سنگی

ساخته شده در این کارگاهها که عمدتا به شیوه اوا اوا ساخته شدهاند تا نقاط دور دستی (حدود ۱۵

کیلومتر) چون غارهای بیستون و غار دو اشکفت حمل و استفاده

شده است. ابزارهای سنگی یافت شده در کناره رودخانه گراب

در نزدیکی روانســر حاکی از این است که شکارچیان این عصر

در کناره رودخانه ها نیز مستقر می شدند و از منابع سنگ و منابع

در فاصله بین ۴۰ تا ۳۵ هزار سال پیش شاهد پیدایش فرهنگ

جدیدی در منطقه هستیم کـه آثار مهمـی از آن در غارهای

ملاورد، ورواسی، ورکینی در شیمال کرمانشاه و مر خریل در بیستون کشف شده است. انسانهای این دوره از گونه انسانهای

امروزین بودهاند و تفاوتهایی در شیوههای معیشتی و سکونتی

أنها نسبت به نئاندتالها ديده ميشود. از جمله گسترش حوزه

شکار و بهرهبرداری از منابع طبیعی تا مسافات طولانی تر که شــواهد آن را می توان در بقایای به جا مانده از آنها در غارها و

پناهگاهها مشاهده کرد. از ویژگیهای عمده این دوره که پاریته

سنکی جدید گفته می شـود، ظهور فناوری جدید تیغهسازی در صنعت ساخت ابزارهای سنگی است. پیکانهای پرتابی ساخته

شده از تیغههای کوچک (تیزه ارجنه)، ابزارهای دباغی پوست

و تــراش چوب (خراشــنده)، ابزارهای تراش اســتخوان و چوب

(اسکنه) از ویژگیهای صنعت ابزارسازی این دوره در کرمانشاه

است که صنعت برادوستی یا اوریناسی گفته میشود.

خوراکی مرتبط با رودخانهها استفاده می کردند.



شکارچیان زرزی ساکن ورواسی بیش تر به شکار گورخر، بز و میش وحشی میپرداختند اما ساکنان این دوره غار خریل عمدتا حیواناتی چون بز کوهی، میش وحشمی، گوزن و گاو وحشمی را شمکار می کردند.

مطالعه میزان ساییدگی سطح دندان گور خر در پناهگاه ورواسی نشان میدهد که شکارگران زرزی بیشتر

گورخرهای جوان را شکار می کردند. بقایای جانوری این دوره نیز به طور غیر مستقیم می تواند اطلاعاتی

راجع به پوشتش گیاهی و وضعیت اقلیمی کرمانشاه ارایه کند. به نظر یکی از پژوهشگران وجود گوزن

و گاو وحشی و نبود اسب سانان و آهو در لایههای فراپارینه سنگی غار خریل نشانه گسترش محیط

جنگلی در منطقه است. همچنین مطالعه سن کشتار بز کوهی و میش وحشی بر اساس بررسی دندان

آنها، نشان دهنده این است گروههای شکارگر زرزی احتمالا در اواخر تابستان و پاییز از غار خریل

استفاده کردهاند وجود شماری سنگ ساب در برخی مکانهای این دوره احتمالا نشاته افزایش استفاده

شرايط اقليمي مساعدتر و افزايش منابع مورد استفاده جوامع شكارگر و گردآورنده مذكور احتمالا باعث

رشد جمعیت و در نتیجه افزایش شمار زیستگاههای فصلی آنها شد. طی این دوره جوامع زرزی علاوه بر

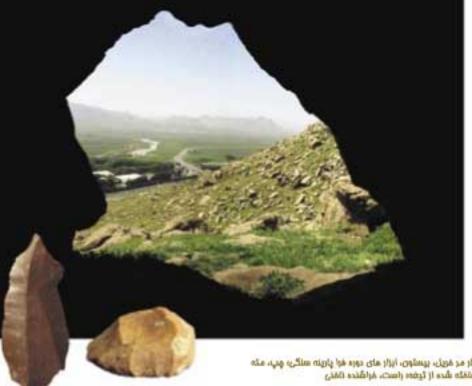
غار بزار خانه ۵ ملوب کوه پراې دوره پاريته سنگي مديد

در این دوره از گل اخرا برای مقاصد مختلف استفاده می شده که آثار آن در غار ملاورد مشاهده شده است. به علت افزایش سرما و خشکی محیط شکارچیان این دوره برای دستیابی به منابع مورد نیاز، مجبور بودند دائما از محلی به محل دیگر در حال حرکت باشند و از این رو در مسیر کوچ خود از هر پناهگاه به طور کوتاه مدت استفاده می کردند. در این دوره حیواناتی چون گورخر و اسب وحشی، بز کوهی، میش وحشی و گاو وحشی شکار می شدند که بقایای آنها در غار خریل و پناهگاه ورواسی به دست آمده است. در فاصله ۲۲ تا ۱۸ هزار سال پیش و همزمان با آغاز اوج یخبندان، دوره پارینه سنگی جدید در زاگرس به پایان میرسد

در فاصله حدود ۱۸ تا ۱۲ هزار سال پیش شرایط اقلیمی حاکم بر منطقه از سرما و یخبندان شدید به تدریج به سـوی افزایش دما و بارندگی تغییر یافت. به طوری که در حدود ۱۴ هزار سال پیش اوضاع اقلیمی سرد و خشک جای خود را به گرما و بارندگی داد. روند تغییرات اقلیمی شرایط مساعدی برای گسترش درختانی چون پسته خود رو، بلوط و گونههای جانوری چون گوزن و آهو، گورخر ایجاد کرد. این تغییرات محیطی تاثیر مستقیمی بر شیوههای سکونتی و معیشتی جوامع شکارگر-گردآورندهای نهاد که طی هزاران سال خود را با بهرهبرداری فصلی از منابع موجود در مناطق مرتفع زاگرس وفق داده بودند. به نظر می رسد که از اواسط دوره فرا پارینه سنگی دامنه استفاده از منابع خوراکی موجود در طبیعت گسترش یافت و علاوه بر شکار چرندگان بزرگ جثه مثل گوزن و گورخر، صید ماهی، خرچنگ، لاک پشت، صدف دو کفهای، حلزون خشکی متداول شد. بقایای صدف دو کفهای و حلزون در رسوبات باستان شناختی دوره فرا پارینه سنگی غار خریل یافت شده است. همچنین در لایههای این دوره در ورواسی نیز بقایای حلزون به دست آمده است.

استقرارهای کوتاه مدت در غارها و پناهگاههای صخرهای، اردوگاههای خود را در محیطهای باز خصوصا در امتداد ودخانهها بر یا می کردند. ویژگی صنعت سنگ این دوره استفاده بیش تر از تیغه و ریز تیغهها برای ساخت ابزار، رجحیت تولید انواع ریز ابزارها خصوصا غیر هندسیها است. همچنین در اواخر این دوره ابزارهای هندسی عمدتا از نوع مثلثی کشیده و تعداد کمتری از سایر فرمهای هندسی ظاهر میشوند. چنین ابزارهایی در مکانهای متعدد این دوره در کرمانشاه از جمله ورواسی، یوان (میان دربند) و مر دالان (روانسس) یافت شده است. این ابزارهای هندسی شکل اکثرا در نوک و امتداد نوک ابزارهای پرتایی با استفاده از صمغ یا دیگر مواد چسباننده طبیعی نصب می شدند. از انواع دیگر ابزار می توان به قطعات کولدار، دندانه دار و خراشنده انتهایی اشاره کرد. علاوه بر ابزارهای سنگی، ساخت و استفاده از ابزارهای استخوانی نیز در این دوره گسترش یافت که نمونههای أن در غار خريل و مردالان به دست أمده است.





تنها سالیایی دوره فرا پارینه سنگی کرمانشاه مربوط به غار خریل است. آزمایش رادیوکربن یک قطعه استخوان از رسوبات این دوره غار که اخیرا تهیه شده، تاریخی برابر با ۱۵ -۱۴ هزار سال پیش را نشان میدهد. در حدود ۱۰–۱۰ هزار سـال شــیوه زندگی کوچروی مبتنی بر شکار و گردآوری تقریبا متروک شد و به تدریج یکجانشینی، پرورش غلات و اهلی کردن دام در منطقه گسترش یافت که طلیعه آغاز دوره نوسنگی بود.



به مناسبت روز جبانی و هفله